

بسم الله الرحمن الرحيم

درس‌های امروزین مکتب امام خمینی (ره)

مقدمه

در حالی سی و یکمین سالگرد ارتحال ملکوتی معمار و رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی را گرامی می‌داریم که امسال به دلیل شرایط ناشی از بیماری کرونا همانند سال‌های گذشته نمی‌توانیم از نزدیک و در جوار حرم آن زعیم عظیم‌القدر عرض ادب و ارادت نماییم. اما آنچه مهم است این است که یاد و راه ایشان را بزرگ شماریم و آن را همچنان کارآمد برای درمان و علاج مشکلات امروزمان بدانیم و در صدد عملیاتی کردن تحقق «راه امام» به مثابه راه خودمان باشیم.

آنچه مسلم است نسخه اصلی و تمام‌نمای انقلاب اسلامی را قبل از هر کس دیگری بایستی در اندیشه‌ها و سیره امام راحل سراغ گرفت. در واقع، همانطور که نسخه اصلی هر راه و برنامه‌ای در نزد معمار و طراح آن راه و برنامه قرار دارد و اجراکنندگان آن برنامه برای آنکه در اجرا با خلل یا انحرافی مواجه نشوند، مجبورند که پیوسته به آن نسخه اصلی و آن نقشه راه توجه داشته باشند و آن را سرمشق خود قرار دهند، در مورد انقلاب اسلامی نیز چنین حالتی متصور است، یعنی چون امام (ره) معمار و طراح اصلی

نقشه راه انقلاب و نظام اسلامی هستند، می‌بایستی در تمام مراحل حرکت و برنامه‌ریزی برای پیشرفت و آینده انقلاب به این نسخه اصلی رجوع کرده و آن را سرمشق خود قرار دهیم.

اهمیت این امر نیز از آنجا ناشی می‌شود که با تأسی از این الگوی پیش‌رو می‌توانیم نقاط قوت و ضعف خود را تشخیص دهیم و در این صورت با تشخیص نقاط ضعف و تلاش برای حل‌ورفع آنها، با اطمینان بیشتری نسبت به آینده و تحقق آرمان‌های بلند موردنظر امام راحل قدم برداریم. از این جهت، بسیار واضح است که اگر از این خط و از این راه منحرف شویم و از آن فاصله بگیریم، دچار خسران عظیمی خواهیم بود و به تعبیر مقام معظم رهبری، «ملت ایران سیلی خواهد خورد». اهمیت این امر وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم، اندیشه‌ها و آرمان‌های امام راحل، اندیشه‌ها و آرمان‌هایی فرازمانی و فرامکانی هستند که هر چه زمان بیشتر بر آنها بگذرد، نه تنها از اهمیت‌شان کاسته نمی‌شود، بلکه کارآمدی آنها بیشتر روشن می‌شود. از این‌رو، می‌بایست با درک منطق و موازین اندیشه‌ای امام (ره) و همچنین بکارگیری هنر و توان خود در سازندگی و احیاء، کوشید تا نظام اسلامی همچنان به راه عزت، اقتدار و شرافت خود ادامه دهد. با این نگاه، اصول و شاخص‌های خط و مکتب امام خمینی (ره) و درس‌هایی را که برای امروز از این سرچشمه جوشان اندیشه اسلامی و انقلابی می‌توان برگرفت، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

خط امام (ره) به معنای چارچوب و اصول کلی حاکم بر اندیشه و سیره عملی امام (ره) می‌باشد. در واقع، خط به مثابه چارچوبی است که وقتی در ارتباط با یک اندیشمند یا رهبر سیاسی از خط فکری یا خط سیاسی وی بحث می‌شود، منظور همان چارچوب کلی حاکم بر اندیشه و سیره سیاسی وی است که به عنوان آب‌شخور و پشتوانه سایر حوزه‌های فکری و عملی وی محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در تعریف خط امام (ره) می‌فرماید: «خط امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امت. یعنی چیزی که تفسیرکننده نظام جمهوری اسلامی است.»^۱

به بیان دیگر، از آنجا که منظومه فکری و سیره عملی امام (ره) دارای مبنای واحد (مبتنی بر بیش توحیدی) و همچنین دارای ساختاربندی و مفصل‌بندی مناسب در ارتباط با مسائل روز جامعه و جهان هستند، می‌توان از آن منظومه و سیره به عنوان یک مکتب نظری و عملی نام برد که در اینجا از آن تعبیر به خط امام (ره) می‌شود. مهمترین خصوصیات، ویژگی‌ها و اصول حاکم بر خط امام (ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱- اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی

^۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۷۱/۰۳/۱۴

اسلام آمریکایی به عنوان اسلام سکولارها و متحجرین، نقطه مقابل اسلام ناب محمدی از دیدگاه امام خمینی(ره) محسوب می شود.^۲ از این رو، ایشان در کنار تلاش برای اثبات اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی را نفی و طرد می کردند. در واقع، برخورداری از ویژگی هایی(بوئژه در ارتباط با دسته دوم، یعنی متحجرین) چون مقدس نمایی، قشری نگری و سطحی نگری، عوام گرایی و عوام زدگی، نگاه ابزاری به دین، کم توجهی به تفکر و تعقل، تنگ نظری و واپس گرایی، کج اندیشی و کم فهمی، عدم توجه و درک صحیح نسبت به نقش زمان و مکان در اجتهاد و مسائل مستحدثه و... سبب شده بود که امام(ره) در مبارزه با مصادیق این نگرش ها، که در تفکر وهابی گری، اخباری گری، انجمن حجتیه و... بروز و ظهور یافته بود، اهتمام داشته باشند. در یکی از عبارات امام خمینی تصریح شده که انقلاب اسلامی آمده تا با انحرافات درون اسلام مقابله کند. امام در منشور روحانیت درباره متحجران عبارت هایی چون «مارهای خوش خط و خال، ولایتی های دیروز، مدعیان امروز» و... بکار می برند. ایشان به صراحت از «انجمن حجتیه» نام می برند و درباره متحجران فرموده اند که خون دلی که پدر پیرتان از این گروه خورده هرگز از فشارها و گروه های دیگر نخورده است.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره). ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

از سوی دیگر، امام(ره) با تلاش در جهت معرفی اسلام به عنوان دینی کامل که برای همه عرصه های زندگی بشر برنامه دارد و تأکید بر اینکه دین و سیاست از همدیگر جدا نبوده و دینداری با خردورزی، معضل گشایی و... قابل جمع است، به رویارویی با سکولاریسم پرداختند. به عبارت دیگر، قائل شدن نقشی برجسته برای عقل و عقلانیت در فهم دین و اداره جامعه، به گونه ای که هم به قشری گری و سطحی نگری منجر نشود و هم از روح و جوهره اصلی اسلام فاصله نداشته باشد و مهمتر اینکه باعث پیشبرد امور فردی و اجتماعی و بسامانی امر سیاست و حکومت اسلامی شود، از جمله مهمترین ابتکار عمل ها و نوآوری های امام(ره) است که از یک سو باعث مبارزه با متحجرین و واپس گرایان شد و از سوی دیگر از توجه به شرایط زمان و مکان و پیشبرد امور حکومت اسلامی بازماند.

در واقع، امام(ره) با خردورزی خاص خودشان، که برگرفته از فقه اصیل جواهری بود، تصویری از اسلام و مسلمانی ارائه دادند که از یک سو، از کج اندیشی ها و قشری نگری های اهل تحجر به دور بود و از سوی دیگر، از تفریط گری ها و غلتیدن در دامان سکولاریسم روشنفکران مصون بود. از این رو، اسلام امام(ره) مبتنی بر درک شرایط زمان و مکان و مسائل مستحدثه و فاقد هر گونه بن بست برای حل معضلات جامعه بود و از این جهت، الگویی شد برای تمامی حق طلبانی که به دنبال یافتن الگویی مطلوب از تلفیق دیانت و سیاست می گشتند و در عین حال، پاسخ محکمی به کسان و قدرت هایی دادند که سال ها این تفکر مسموم را در دنیا و از جمله جهان اسلام ترویج می

کردند که دین ناتوان از اداره جامعه و حکومت و همچنین ناتوان از پیشبرد امور سیاسی و اجتماعی است.

باتوجه به آنچه گفته شد، از درس‌های مهم مکتب امام برای شرایط امروز ما، دقت در درک دقیق شرایط زمان و مکان، پرهیز از سطحی‌نگری و تقویت جایگاه عقلانیت به ویژه در رفتارهای سیاسی است. تجلی این مهم را می‌توان در تأکیدات مقام معظم رهبری بر «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» و «تکلیف‌گرایی نتیجه‌محور» ملاحظه کرد که بویژه باید از سوی نخبگان سیاسی مورد توجه قرار گیرد.

۲- اتکال به کمک الهی و اعتماد به صدق وعده‌ی الهی

امام(ره) در سرتاسر حیات فردی و نهضت سیاسی و اجتماعی خود همواره برای خدا حرکت کردند. به گونه‌ای که همین توجه و اتکال به خدا را می‌توان مهمترین بُعد شخصیتی و مهمترین شاخص خط امام دانست. از این رو، ایشان در دوران حیات و مبارزات خویش و حتی بعد از دوره زعامت، بدون توجه به ملاحظات ابرقدرتها و موانع ظاهری و مادی، صرفاً برای رضایت خدا و با اتکال به وی، قدم برداشتند. مقام معظم رهبری درباره این ویژگی مهم خط امام می‌فرماید: «یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسأله‌ی محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیری‌های خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار می‌داد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که می‌خواهد بکند، در درجه‌ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب وجاهت پیش

زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعده‌ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده‌ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد. امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملت ایران یکصدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملت‌های دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد.^۳

همین اعتماد، در طول سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهمترین ذخیره‌های جمهوری اسلامی برای عبور از گردنه‌های متعدد بوده و امروز هم که کشور با مسائل مختلفی در حوزه اقتصاد، فرهنگ و... مواجه است، باید به نصرت الهی و اتکال به قدرت لایزال وی، بیش از هر زمان دیگری توجه داشت. اتفاقاً اگر دقت شود، در حوزه‌هایی مانند اقتصاد که مهمترین پاشنه آشیل امروز کشور محسوب می‌شود، مهمترین دلیل ضعف‌ها و کاستی‌های موجود، بی‌توجهی به نصرت الهی و تلاش برای حل مشکلات این حوزه با نگاه به دست‌طواغیت زمان بوده است.

۳- ضدیت با استبداد و استکبار

ضدیت با استبداد و استکبار یکی دیگر از شاخص‌های مکتب فکری امام و خط امام محسوب می‌شود. امام (ره) به همان میزانی که با استبداد داخلی مبارزه می‌کردند و بدان اهمیت می‌دادند، به مبارزه با استکبار نیز اهمیت می‌دادند. ایشان در طول دوران مبارزاتی خود به این دو به موازات هم اهمیت می‌دادند. به عنوان مثال، ایشان در

^۳. همان

سخنرانی خود در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، با اشاره به اینکه ساواک به برخی علما و اهل منبر گوشزد کرده بود که در مناظر هر چه می خواهند بگویند جز این سه؛ «**یکی شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید، یکی هم نگویید دین در خطر است**» همه گرفتاری ها را متوجه این سه دانستند و فرمودند که خوب اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگویم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست.^۴

امام(ره) در مراحل بعدی مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به این مهم توجه داشتند. در واقع، امام راحل علاوه بر مبارزه با استبداد داخلی و برانداختن آن، یکی از اهداف انقلاب اسلامی را قطع دست اجانب از مملکت اسلامی، قطع ریشه‌های وابستگی، رفع سلطه و ضعف و سستی و زبونی در مقابل استعمار، جلوگیری از استثمار و استعباد و قطع منافع و مطامع استعمارگران می‌دانستند. امام خمینی ضمن تأکید بر ماهیت ضداستعماری نهضت، هدف انقلاب اسلامی را خارج شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و درنهایت شکست ابرقدرت‌ها می‌داند. در این رابطه، حضرت امام بر کوتاه کردن دست جنایتکاران خارجی و به‌انزواکشاندن قدرت‌های استعماری

۴. بیانات امام خمینی(ره) در ۱۳ خرداد(عاشورای) ۱۳۴۲

در جهان و نیز مقابله با آبادی منطقه‌ای امپریالیسم به‌ویژه صهیونیسم تأکید بسیاری دارند.^۵

باتوجه به آنچه گفته شد، واقعیت آن است که استکبارستیزی امام(ره) نتایج و دستاوردهای فراوانی به بار آورده که بسیاری از آنها را حقیقتاً باید «تاریخی» دانست. به عنوان چند نمونه اخیر می‌توان به نقشه بر آب کردن توطئه‌های استکبار در سطح منطقه، ساقط کردن پهباد آمریکایی و توقیف نفت کش انگلیسی در خلیج فارس و در اخیرترین مورد، صادرات بنزین به ونزوئلا، کشوری در قلب آمریکای لاتین که بیش از دو قرن است که براساس دکترین مونروئه، حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شود، اشاره کرد؛ اقدامی که علاوه بر شکست سیاست فشار حداکثری آمریکا، افول هژمونی جهانی آن را بیش از پیش نمایان ساخت.

۴- اعتقاد راسخ به نقش و اراده مردم

از دیدگاه امام خمینی(ره) اعتقاد به درون‌زایی، اتکا به درون و اولویت قائل شدن برای استعدادها و ظرفیت‌های نهفته درونی جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان بر اتکای به مردم و ترویج خودباوری و قابل اتکا بودن نیروهای درونی تأکید ویژه‌ای داشتند. به گونه‌ای که می‌توان گفت ایشان در زمینه اداره کشور و حل و فصل مشکلات و در مجموع، پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور، نگاهی مبتنی بر اعتماد و شکوفایی

۵. صحیفه امام(ره)، ج ۱۴، ص ۱۳۵

استعدادهای درونی داشتند. امام(ره) در این راستا معتقد بودند که «عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم.» به عبارت دقیق تر، اگر در کنار توفیقات الهی، نبود این اعتقاد راسخ به نقش و نیروی مردم و این اعتماد و اتکا به نیروهای درونی و بومی نزد امام(ره)، که اساساً نهضتی و انقلابی در ایران شکل نمی گرفت، زیرا در شرایط دوقطبی جهان در آن زمان، این تصور بر دنیا حاکم بود که هیچ تحولی نتیجه نخواهد داد، مگر در وابستگی به یکی از آن دو بلوک قدرت شرق و غرب. امام(ره) نه تنها به این قاعده مندی ظاهری اعتقاد نداشتند و آن را مانعی برای تحقق آرمان های خویش ندیدند، بلکه با تکیه بر الطاف الهی و با به حرکت در آوردن نیروهای مردمی بود که نهضت خود را شروع کردند و به پیروزی رساندند. امام(ره) در حیطه عمل و در مواجهه با مسائل مختلف به جای اتکا به طناب پوسیده بیرونی، به درون زایی و اتکا به درون توجه داشتند و در همین راستا، تأکید فراوانی بر حفظ وحدت داشتند. به گونه ای که در مسأله مهمی مانند جنگ تحمیلی نیز امام(ره) به راهبرد بسیج گسترده مردمی روی آوردند و در مسائل مهمی مانند انتخابات و... نیز همواره به حضور مردم در صحنه تأکید داشتند که همه این موارد بیانگر توجه ویژه ایشان به درون می باشد. در واقع، امام(ره) برای نیروهای بومی جامعه عاملیت مهمی قائل بودند و معتقد بودند که سرنوشت کشور تنها به دست خود ما تعیین می شود. ایشان در این زمینه همواره تأکید داشتند که بدون وابستگی به شرق و غرب و با اتکال به اسلام و حفظ وحدت کلمه نهضت را به پیش ببرید.

اهمیت این موضوع نزد امام(ره) به اندازه ای است که ایشان حتی در وصیت نامه سیاسی - الهی شان نیز در چند مورد به اهمیت و ضرورت این موضوع اشاره داشته اند. به عنوان مثال می فرمایند: «وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی این است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید.» به عبارت دقیق‌تر، امام(ره) اتکا به درون را لازمه قطع وابستگی، خارج شدن از سلطه و رسیدن به زندگی شرافتمندانه می‌داند و معتقدند که چنانچه به درون تکیه داشته باشیم، پیروزیم: «ما روی پای خود می ایستیم و مطمئناً پیروزیم.»

در مجموع، امام خمینی(ره)، با تاسی به این منطق قرآنی که تغییر سرنوشت ملت‌ها را در گرو تغییر در احوالات درونی آنها می‌داند، تعیین سرنوشت جامعه را تنها توسط خود مردم ممکن می‌دانستند و از این جهت، ایشان نه تنها در حیطه اندیشه برای مردم و نیروهای درونی جامعه نقش بی‌بدیل قائل بودند، بلکه در مواجهه با مسائل مختلف نیز همواره به ورود مردم به صحنه و استفاده از ظرفیت‌های بی‌شمار نهفته در آنها تأکید داشتند. منظور این است که در کنار خدامحوری، مردم محوری یا به بیان بهتر، اعتقاد به نقش و جایگاه تعیین‌کننده نیروهای درونی جامعه نزد امام(ره) از اهمیت بالایی برخوردار بود. همین مسأله سبب شده بود که ایشان به جای توجه به بیرون و استفاده از راهکارهای بیرونی برای حل مسائل جامعه، به رویکردی مبتنی بر استفاده از ظرفیت

های بالقوه درونی و شکوفایی این ظرفیت‌ها توجه داشته باشند و الگوهای موفق را در حوزه های مهمی مانند بسیج، امنیت پایدار، حفظ استقلال، تشکیل نیروهای مسلح برآمده از متن مردم و... به جهانیان ارائه دهند. در واقع، حضرت امام (ره) می‌خواستند با تقویت حس خودباوری در جامعه، مردم را به سوی کسب هویت مستقل سوق دهند و آنها را به مشارکت عملی در کارها تشویق نمایند.

در ذیل همین اصل می‌توان از چهار اصل دیگر در اندیشه و سیره امام (ره) سخن گفت:

۱-۴- **مردم سالاری دینی**: مردم سالاری دینی، حکومت مطلوب اسلامی در عصر غیبت در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری محسوب می‌شود. این مهم که به تعبیر مقام معظم رهبری، «**حرف نوی نظام اسلامی**» است، از جمله شاخص های مهم خط امام و از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است. اهمیت این دستاورد وقتی روشن می‌شود که بدانیم تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این تصور بر دنیا حاکم بود که دین مربوط به حوزه فردیات است و ناتوان از شکل‌دهی و اداره‌ی تحولات سیاسی و اجتماعی است. از سوی دیگر، این تصور نیز بر دنیا حاکم بود که لازمه‌ی مردم سالار بودن، حذف خداوند و دین از عرصه‌ی زندگی است. به عبارت دیگر، اینگونه تبلیغ می‌شد که لازمه‌ی مردم سالار بودن و نقش سیاسی

اجتماعی برای مردم قائل شدن، حذف خدایپایگی از زندگی، بویژه در حوزه سیاست، است.

در این شرایط، امام خمینی(ره) نهضت خود را درست در نقطه مقابل این دو تصور رایج شروع کردند، به گونه ای که ایشان در اولین بیانیه مبارزاتی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ با شروع بیانیه خود با آیه ی شریفه «قُلْ اِنَّمَا اَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ اَنْ تَقُوْمُوا لِلّٰهِ مَثْنٰی وَفُرَادٰی»^۶ مردم را به قیام برای خدا فرا خواندند. قیام برای خدا؛ قیامی که مبتنی بر حضور مردم در صحنه باشد. در همین چارچوب، امام(ره) در تمامی سیر مراحل شکل گیری، تکوین و پیروزی و حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره بر مبنای این دو گزاره ی اصلی بود که تحول آفرینی کردند. ایشان در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ در پاریس در مصاحبه با فیگارو برای اولین بار در خصوص نوع نظام سیاسی آینده از «جمهوری اسلامی» نام بردند و در توضیح خصوصیات آن فرمودند که «حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت» خواهد بود. امام(ره) در ادامه افزودند که «جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است»، مراد از قید اسلامی هم این است که همه ضوابط دینی باید در این جامعه مراعات شود.

در همین راستا، امام(ره) همه انواع بدیل جمهوری اسلامی، از جمله جمهوری دموکراتیک اسلامی، جمهوری دموکراتیک خلق، حکومت اسلامی و.... را رد و

۶. سوره ی سبأ؛ آیه ی ۴۶

اعلام کردند که «من به جمهوری اسلامی رأی می دهم نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر». از این پس نیز امام(ره) همواره بر نقش تعیین کننده و حضور مردم در صحنه تأکید داشتند، از جمله اینکه ایشان تأکید داشتند که انتخابات در ایران صورت بگیرد و مردم در انتخابات نمایندگان خود برای امور مختلف قانونگذاری، خبرگان و... مشارکت داشته باشند. راه و اندیشه امام از سوی خلف صالح ایشان رهبر معظم انقلاب رهبری ادامه یافت. به گونه‌ای که رهبر حکیم انقلاب در تبیین مردمسالاری دینی می‌فرماید: «جمهوری اسلامی، هم جمهوری است، یعنی متکی به آراء مردم است؛ هم اسلامی است، یعنی متکی به شریعت الهی است. این یک مدل نو است؛ این یکی از شاخص‌های عمده‌ی در خط امام است.»^۷

۲-۴- توجه ویژه به طبقات محروم جامعه: امام(ره) به محرومان و مستضعفان جامعه توجه جدی داشتند؛ هم از این جهت که آنها را نیروهای اصلی انقلاب می‌دانستند و هم از این جهت که رسیدگی به اوضاع و احوال آنان متناسب با عدالت و به عدالت نزدیک‌تر است. امام در این خصوص تأکید داشتند که «شما باید برای این پابرنه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و اینها را به حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند ... برای اینها کار کنید ... باید همه دست به دست هم بدهید که ان شاءالله برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی

۷. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴

پیش بیاید، درست بشود.»^۸ امام(ره) در اهمیت این مهم می فرمایند: «گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد.» یا اینکه در وصیت نامه‌شان می‌فرمایند: «به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است.»

براین اساس، اگرچه انقلاب اسلامی در تلاش برای محرومیت‌زدایی از کشور اقدامات شایان توجهی انجام داده است، اما واقعیت آن است که هنوز محرومان زیادی در کشور وجود دارند که در تأمین حداقل‌های لازم برای یک زندگی شرافتمندانه، ناتوان هستند. براساس مکتب امام(ره) نمی‌توان و نباید به وضعیت این اقشار بی‌توجه بود، بلکه باید با عزم جهادی و انقلابی برای رفع فقر و محرومیت از کشور، بیش از پیش تلاش کرد.

۳-۴- مخالفت با تمرکزهای دولتی: امام دقیقاً به وارد کردن مردم در اداره امور تأکید دارند و بی‌توجهی به این مهم را بیماری مهلک می‌دانستند و می‌فرمایند: «دولت بی‌شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده‌ی از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم، با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود»^۹ یا اینکه ایشان تأکید داشتند: «جمعیت و یا ملتی اگر بخواهند موفق باشند، علاوه بر اینکه خدا باید

۸. صحیفه امام(ره)، ج ۱۵، ص ۸۲

۹. صحیفه امام(ره)، ج ۱۹، ص ۱۵۷

کار کنند و از دیگران چشم داشتی نداشته باشند، باید با مردم باشند. بدون مردم نمی شود کار کرد و موفقیت حاصل نمی شود»^{۱۰}

۵-۴- همدلی و همزبانی میان دولت و ملت: امام معتقد بودند که برای تعالی مملکت باید بین دولت و ملت، تعامل و همبستگی باشد: «اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد.»^{۱۱} «در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه، همین تفاهم مابین دولت و ملت باشد؛ یعنی نه دولت خودش را جدا می داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارباب بکند، اذیت بکند و نه مردم درصدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی.»^{۱۲} این مهم که شاخص و در عین حال، راهبردی همیشگی است، به نظر می رسد که در شرایط کنونی، با توجه به فشارهای خارجی و فزونی حجم مشکلات داخلی، باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. بویژه در همین راستا باید همدلی و همزبانی بیشتری میان مسئولان مختلف و نخبگان سیاسی از جریان های مختلف برقرار باشد؛ زیرا لازمه ی عبور از شرایط پیش رو است.

۵- توجه به حفظ استقلال کشور و ردّ سلطه پذیری

۱۰. همان، ج ۱۶، ص ۴۹۱

۱۱. همان، ج ۸، ص ۲۳۰

۱۲. همانجا، ص ۳۸۱

استقلال و در مقابل آن سلطه پذیری، از جمله مفاهیمی هستند که در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دارای مصداق می باشند. ضمن اینکه همه این ابعاد و مصادیق در اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) حائز اهمیت بوده اند اما در این خصوص امام به نوعی اولویت بندی و رتبه بندی قائل بودند؛ بدین معنا که از میان ابعاد و مصادیق گوناگون استقلال، آنچه برای امام اهمیت و اولویت بیشتری داشت، استقلال در بعد فکری و فرهنگی و هویتی بود. در واقع، امام خمینی (ره) از آغاز مبارزات، از خودیگانگی و مرعوب شدن در برابر تبلیغات پر طمطراق بیگانگان را موجب نفی هویت جمعی می دانستند و بر آن بودند که مرعوب شدن در برابر فرهنگ وارداتی زمینه فقدان استقلال در موضوعات دیگر را نیز شامل می شود. از دیدگاه ایشان بزرگترین مؤلفه ای که می تواند جامعه ای بزرگ از انسان ها را با هویتی واحد گرد هم آورد و تمایزات موهوم میان آنان را شکسته و نابود سازد، مؤلفه باور و اعتقادات دینی است. امام در این خصوص می فرمودند: «هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این

وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست.»^{۱۳}

امام (ره) همچنین، استقلال در بعد اقتصادی را لازمه تقویت استقلال فرهنگی - هویتی می‌دانستند و بر آن بودند که برای هر ملتی که آرزو دارد با درک هویت خویش و خودباوری و خودآگاهی، آزادانه و کریمانه زندگی کند ضروری است که راه‌های وابستگی اقتصادی به قدرت‌های سلطه‌جو را ببندد و با تکیه بر منابع طبیعی و انسانی خویش نیازهای اساسی‌اش را به دست خویش فراهم آورد. به بیان دقیق‌تر، از نگاه امام کشوری که در نیازهای اساسی و ارزاق عمومی‌اش وابسته به دیگران باشد، خواسته یا ناخواسته به لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز به اسارت آنها در خواهد آمد.»^{۱۴}

نکته مهم در این خصوص این است که در شرایط کنونی که عده‌ای به بهانه جهانی شدن و... تلاش می‌کنند اهمیت عنصر استقلال، خوداتکایی و... را ناچیز جلوه دهند و با این توجیه که در عصر جهانی شدن استقلال دیگر معنای چندانی ندارد، می‌کوشند نسبت به عنصر استقلال کم‌توجهی شود، توجه و دقت در مفهوم و مصادیق استقلال از دیدگاه حضرت امام حائز اهمیت و مانع کج‌روی و انحراف خواهد بود. در این باره مقام معظم می‌فرماید: «متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال

۱۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴

۱۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۷۳

کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی می‌کنند و حرف می‌زنند؛ این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است.»

نکته مهم در این میان آن است که استقلال موردنظر امام نه تنها نافی ارتباطات بین‌المللی و برقراری روابط خارجی سالم با کشورهای دیگر نیست، بلکه بر آن است که در درجه اول و به عنوان ضرورت، باید نگاه به درون، درون‌زایی و تقویت ظرفیت‌های درونی باشد.

۶- مسأله‌ی جاذبه و دافعه امام

داشتن قدرت جاذبه مناسب و در مقابل آن دافعه مناسب، از جمله ویژگی‌های انسان‌های متعالی است. از این رو، در میان نسبت‌های مختلفی که در بحث جاذبه و دافعه مطرح است، مناسب‌ترین حالت آن است که فرد جاذبه و دافعه اصولی داشته باشد. بر این اساس، امام خمینی (ره) از جمله شخصیت‌هایی هستند که هم جاذبه و هم دافعه اصولی و مبنایی داشتند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«آنچه که مبنا و معیار جاذبه‌ی امام و دافعه‌ی امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود... امام... دشمنی شخصی با کسی نداشت. دشمنی به خاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اول شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی توده‌ی مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، اینجور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز می‌پذیرفت، همین امام در اول انقلاب یک مجموعه‌هائی را از خود طرد کرد. کمونیست‌ها را صریح طرد کرد. آن روز برای خیلی از ماها که در اول

انقلاب دست‌اندرکار مبارزه بودیم، این کار امام عجیب بود. در همان اوائل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیست‌ها موضع‌گیری کرد و این‌ها را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال‌مسلك‌ها و دلباختگان به نظام‌های غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای نکرد. مرتجعین را از خودش طرد کرد. در تبری از افرادی که در دایره‌ی فکری و مبانی اسلامی او قرار نمی‌گرفتند، امام تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت. ... امام دعوی شخصی ندارد؛ اما در دایره‌ی مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه‌ی خود را اعمال می‌کند. ... تویی و تبری در عرصه‌ی سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه می‌خواهد.»^{۱۵}

۱-۶- قضاوت بر اساس معیار فعلی افراد

یکی از اصولی که در ذیل اصل جاذبه و دافعه امام قرار می‌گیرد، میزان بودن حال فعلی افراد برای قضاوت در مورد آنهاست. بدین معنا که اگر چه ممکن است فردی یا گروهی در برهه‌ای از زمان دارای سابقه انقلابی و مجاهدت در جبهه حق باشد اما در شرایط کنونی و روز جامعه مواضعی خلاف مواضع قبلی خود داشته باشد، در قضاوت نسبت به آن افراد یا گروه‌ها میزان و ملاک وضعیت و حال کنونی آنهاست. به نظر می‌رسد مطابق با بیان نورانی امام راحل، عکس این قضیه نیز درست باشد، یعنی چه بسا افرادی دارای مواضع غیراصولی نسبت به انقلاب و منتقد نظام بوده‌اند، اما توبه کرده و نظرات کنونی آنها موید اسلام و انقلاب است.

۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۸۹

۷- تأکید بر حفظ وحدت

امام (ره) هم در سطح ملی و هم در میان مسلمین بر حفظ وحدت تأکید داشتند. فراتر از این، امام با نگاه بین‌المللی و جهانی که داشتند، مخاطب سخن خود را تمام بشریت و نه فقط ملت ایران می‌دانستند. بدین معنا که امام خیر، استقلال، عزت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت می‌خواستند. ایشان به عنوان پرچمدار اتحاد اسلامی، با تأکید همه‌جانبه بر اهمیت و ضرورت ایجاد جبهه اسلامی ضد استعماری که با مشارکت تمامی مسلمانان ایجاد می‌شود، امت اسلام را به اجتماع حول کلمه توحید و اتحاد و همگرایی فرا می‌خواندند. ایشان با آگاهی کامل از اینکه وجود تفرقه در بین مسلمانان مانع عزت، شرافتمندی و پیشرفت آنان است و اینکه استعمارگران با تر «تفرقه بینداز حکومت کن»، چه بلاهایی که بر سر مسلمانان و جوامع اسلامی آورده‌اند، دستیابی به وحدت را ضرورتی برای مسلمانان می‌دانستند و معتقد بودند که وحدت، راه دفاع از کیان اسلام، حل معضلات کشورهای اسلامی و مسلمین جهان و همچنین راه تامین استقلال، آزادی و شرافت انسانی مسلمانان می‌باشد و تا زمانی که مسلمانان به «وحدت کلمه» و «کلمه توحید» قائل و عامل باشند، توطئه‌ها و ترفندهای دشمنان کارگر نخواهد بود. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «بزرگترین منکر، غلبه اجانب بر ماست...الآن منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته

است، این وظیفه همه شماست، که می خواهید برای خدا کار کنید، همه ما باید این دشمنی را نهی کنیم و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم با وحدت و زیر پرچم لا اله الا الله بودن».^{۱۶}

محور وحدت در اندیشه امام خمینی (ره)، «اعتصام به ریسمان الهی» است. «اعتصام» به معنای چنگ زدن به هدف واحد و ایده آل هستی است. از این رو، وحدت به لحاظ هستی‌شناسانه با توحید ارتباط تام دارد؛ زیرا فقط راه حق است که فطرتاً می‌تواند انسان‌ها را حول خدا متحد سازد و انسان‌ها واقعاً تمایل فطری به حق و حقیقت دارند و این گرایش در همه آدمیان وجود دارد. پس وحدت حقیقی بدون اعتصام به حبل و ریسمان الهی و حقیقت، معنا نخواهد داشت. بنابراین، جمع شدن حول یک محور مشترک، به تنهایی، وحدتی گذرا و مقطعی خواهد بود. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است. ... مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند».^{۱۷}

حضرت امام (ره) به همان میزانی که به وحدت میان مسلمانان و وحدت بشریت توجه داشتند و آن را ضروری می‌دانستند، به وحدت در سطح ملی و میان اقوام و مذاهب مختلف در داخل کشور نیز توجه جدی داشتند. با این وجود، به نظر می‌رسد که امام (ره)، متأثر از همان عنصر جامعیت و نگرش سیستماتیکی که داشتند، در این حوزه

۱۶. صحیفه نور، جلد ۶، ص ۱۱۶

۱۷. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۳۴

بیشتر نوعی نگاه عملی و کارکردی داشتند، بدین معنا که ایشان معتقد بودند که برای اداره جامعه و پیشبرد امور همه باید دست در دست هم و با احساس مسئولیت اقدام کنیم. امام(ره) در ارتباط با همین مقوله تأکید دارند: «همه موظفند همچون) برادری ایمانی به هم بنگرند و در مشکلات پشتیبان هم باشند. و ملت عزیز پشتیبان دولت و سایر ارگان‌ها باشند، که بدون پشتیبانی همه جانبه توقع پیشرفت از دولت بی‌موقع است. با اتکال به خداوند تعالی، که در مشکلات بزرگ عنایت‌های غیبی را فرموده، بدانند که تا ملت و دولت به تعهد خود در نصرت به دین خدا و به بندگان او پایرجا باشند، نصرت خدا ادامه دارد.»^{۱۸}

۸- اصرار بر سازندگی کشور به مثابه الگوسازی برای جهان^{۱۹}

اساساً، امام(ره) منتقد نظم حاکم بر رژیم پهلوی بودند و از این رو، آن را برانداختند تا در مقابل، با ترسیم و تصویر نظم مطلوب خود مبتنی بر اهداف اسلامی و خواسته‌های مردم، نظم سیاسی اسلامی را حاکم سازند؛ نظمی که در آن برای ارزش‌ها، اصول اسلامی، کرامت انسانی، عدالت، معنویت، عقلانیت و... در کنار تلاش برای تأمین مادیات زندگی انسان‌ها اهمیت داده شود. توجه به این مجموعه عوامل مادی و معنوی، متدولوژی پیشرفت و کارآمدی نظام سیاسی را از دیدگاه امام خمینی(ره) نشان می‌دهد. در واقع، در نگاه امام(ره)، پیشرفت و کارآمدی جمهوری اسلامی ایران

۱۸. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۹

۱۹. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) -

۱۳۷۱/۳/۱۴

هم یک ضرورت ملی و هم لازمه موفقیت در تحقق آرمان‌های فراملی می باشد؛ زیرا از دیدگاه امام(ره) برای جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد تا با تحقق پیشرفت در داخل، یک الگوی کارآمد از اسلام را در منظر نگاه مردم منطقه و جهان قرار دهد. به تعبیر امام راحل، جمهوری اسلامی به دنبال ارائه یک الگوی کارآمد از اسلام می باشد تا «به جهانیان بفهماند که اسلام چه برنامه و اهدافی دارد»^{۲۰} و اصولاً چنان که دشمنان انقلاب می کوشند انقلاب و در نتیجه اسلام را ناکارآمد نشان داده و این تصویر غلط را تبلیغ کنند که علت این ناکارآمدی در این است که اساساً اسلام و دیگر ادیان الهی فقط برای معنویات آمده‌اند و با دنیاداری و حکومت کاری ندارند و ورود آنها به عرصه سیاست، به این مقصد معنوی ضربه می زند یا این که اسلام دینی ارتجاعی و مخالف تمدن می باشد، لذا باید دیانت از سیاست جدا باشد^{۲۱}، تحقق پیشرفت و ساختن الگویی عملی از نظامی دینی که در عین توجه به معنویات، در امور دنیایی نیز موفق بوده و امنیت و رفاه را برای مردم مهیا کرده، برای امام و انتظاری که از جمهوری اسلامی دارد، اهمیت مضاعف پیدا می کند.

۱-۸- پیشرفت مطلوب از دیدگاه امام(ره)

امام(ره) پیشرفت مطلوب را پیشرفتی می دانستند که در پاسخ به نیازهای حقیقی انسان عملیاتی شده باشد و مبتنی بر ترویج انسانیت و معنویت و در یک کلام، مبتنی بر انسان

۲۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۸ و ج ۱۸ ص ۱۲۹.

۲۱- وصیت نامه امام(ره)

سازی باشد. از این رو، ایشان پیشرفت به سبک غربی را نفی می کردند و می فرمودند: «غرب حیوان بار می آورد. آن هم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست. پیشرفت حیوانی است.»^{۲۲} البته از منظری امام (ره) برخی مظاهر ترقی مدرن را می پذیرند؛ به گونه‌ای که می فرمایند: «اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است.»^{۲۳} اما با این وجود، در بیان تفاوت پیشرفت مطلوب مورد نظر خودشان با پیشرفت مطلوب دنیای غرب می فرمایند: «در فکر این باشید که به جلو بروید، برنگردید به عقب. اگر انحطاط اخلاقی یا فکری یا عملی حاصل بشود، این برگشت به عقب است و ارتجاع.»^{۲۴} در واقع، حضرت امام تعریف توسعه را براساس تعریف مدرن قبول ندارد بلکه، پیشرفت توأم با هویت را معتقدند و اذعان داشتند که بحث هویت ما با مفهوم توسعه و مبانی آن در غرب جمع پذیر نیست. به بیان دیگر، امام بر خلاف کسانی که معتقدند برای رسیدن به توسعه باید هویت را فدا کرد، بر این باور است که پیشرفت می بایست توأم با حفظ هویت باشد، یعنی امام (ره) نه تنها مطلوبیت پیشرفت، به عنوان یک ارزش کمیاب جهانی، را نفی نمی کنند، اما در عین حال معتقدند که پیشرفت می بایست مبتنی بر کارآمدی، توأم با عدالت و اخلاق و معنویت و ارتقای مقام انسانی انسان به عنوان خلیفه الله باشد.

۲۲. همان، ج ۸، ص ۹۶

۲۳. وصیت نامه امام (ره)

۲۴. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۶

امام خمینی(ره)، متأثر از چارچوب شخصیتی و اندیشه‌ای منحصر به خود، در حوزه سیاسی و عملی دارای مکتب و خط فکری - سیاسی خاص خود می باشد که در نوشتار حاضر به برخی از شاخص‌ها و اصول کلی مکتب و خط امام(ره) اشاره اجمالی شد. در واقع، این شاخص‌ها و ویژگی‌ها از یک سو، متأثر از ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه‌ای امام می‌باشند و از سوی دیگر، در پاسخ به مسائل جامعه ایران، مسلمانان و حتی بشریت ارائه شده‌اند. از این رو، مکتب و خط امام در شرایط کنونی نیز از نظر دارا بودن پتانسیل و ظرفیت لازم و کافی برای معیار عمل قرار گرفتن و استناد، از غنای کافی برخوردار است.

البته در این میان، نباید از خطر تحریف نگاه اصولی امام و وارونه‌سازی شخصیت آن رهبر بزرگوار از سوی برخی جریان‌های داخلی و بیگانگان غفلت کرد. دشمنان امام و جریان‌های مخالف در استناد و بحث از امام(ره)، شخصیت و مکتب ایشان، همواره تلاش می‌کنند برخی ابعاد اصلی خط امام را به حاشیه ببرند و بالعکس با بزرگنمایی و برجسته‌سازی بُعدهای مطلوب و موردنظر خود از امام(ره)، تصویری وارونه و جناحی از امام به جامعه عرضه کنند تا در پرتو آن از یک سو، در حوزه عمل و در برخورد با واقعیت‌ها عدم پایبندی به ارزش‌ها و شاخص‌های خط امام(ره) را پنهان کنند و از سوی دیگر، مطالبات و اولویت‌های خاص خود را دنبال نمایند.

به عنوان مثال، درحالی که تلاش برخی معطوف بدان است که امام(ره) را چهره‌ای صرفاً تاریخی و مورد احترام بدانند که تاریخ مصرف اندیشه‌ها و خط و مکتب وی به پایان رسیده است، برخی دیگر تلاش می‌کنند تا چهره‌ای لیبرال مسلک از امام(ره) و خط وی ارائه دهند. این درحالی است که اندیشه و خط امام(ره) نه این است و نه آن، بلکه کلیت و منظومه‌ی جامعی است که دارای وجوه و ابعاد شخصیتی و فکری مشخص و مبرهنی است که تنها با کنارهم قرار دادن همه آن ابعاد و تمام اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن منظومه فکری سترگ، تصویر واقعی و صحیح از امام(ره) شکل می‌گیرد و مطابق با واقع قابل درک، تبیین و بازآموزی برای نسل حاضر و آینده ایران اسلامی، ملل مسلمان و آزادی‌خواه دنیا می‌شود.